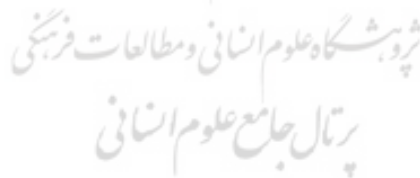


تبیین حق رأی زنان از منظر اسلام و اسناد بین‌المللی حقوق بشر
زهره دارائی^۱ - محمدحسین ناظمی اشنی^۲ - طاهر علی محمدی^۳
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۲۶ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۲۳

چکیده:

حق رأی به زنان یکی از حوزه‌های چالش‌برانگیز فقه شیعه در دوره متأخر بوده و به‌رغم فراز و نشیب‌های متعدد، به رسمیت شناخته شده است. از گذشته، فقهای شیعه مخالف با حق رأی زنان بوده‌اند. اما با ورود نظام انتخاباتی به کشورهای اسلامی، مسأله حق رأی زنان مطرح شد. اسلام به حقوق مالی، اقتصادی، اشتغال و آموزش و سیاسی زن توجه خاصی نموده و برای زنان شخصیت حقوقی پیش‌بینی نموده است. در تاریخ اسلام شواهد فراوانی از مداخله زنان در امور سیاسی وجود دارد. هدف پژوهش بررسی حق رأی زنان در منابع اسلامی به روش توصیفی - تحلیلی است. پرسش این است که آیا در اندیشه اسلامی به زنان در عرصه سیاسی حق مشارکت داده شده است؟ فرضیه پژوهش این است که در متون اسلامی مانند اسناد بین‌المللی حقوق بشر برای مشارکت سیاسی زنان جایگاه ویژه‌ای در نظر گرفته شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد اسلام، مانند جامعه بین‌الملل برای زنان حق رأی داده است.

واژگان کلیدی: مشارکت، حق رأی زنان، اندیشه اسلامی، حقوق بشر



JPIR-2102-1782

^۱ - دانشجوی دکتری الهیات و معارف اسلامی (فقه و مبانی حقوق اسلامی)، واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، مرکزی، ایران

^۲ - استادیار گروه معارف، دانشگاه فرهنگیان تهران، تهران، ایران: نویسنده مسئول

nazemi64@gmail.com

^۳ - دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران

از جمله حقوقی که خداوند به انسان‌ها اعطا کرده حق آزادی و انتخاب است که هیچ‌کس و هیچ‌چیز به‌غیر از خداوند نباید این حقوق فطری را از انسان سلب یا محدود نماید. در جهان امروز بحث حقوق بشر و ازجمله حق انتخاب و تصمیم‌گیری انسان در جامعه خویش از مباحث مورد توجه و جنجال‌برانگیزی است که کشورهای غربی و به‌اصطلاح دموکراسی، داعیه‌دار حمایت از این حقوق هستند و اسلام را متهم به استثمار و دیکتاتوری می‌نمایند. حق رأی از عمده حقوق سیاسی- اجتماعی زنان است که تنها چند دهه‌ای است که در کشورهای مدعی حقوق بشر به رسمیت شناخته و محقق شده است. ادعای بیشتر این کشورها و جنبش‌های مدافع حقوق زنان آن است که زن‌ها در همه دوره‌های حیات و تمام ادیان، از این حق محروم بوده‌اند. تنها به‌واسطه تلاش ایشان این حق برای زنان به رسمیت شناخته شد. بررسی‌های اولیه در آموزه‌های اسلامی و سیره پیشوایان معصوم^(ع) حاکی از آن است که اسلام، زنان را همچون سفیهان، محجوران و ضعفای فکری و عقلی قلمداد نکرده، بلکه رأی و نظر آنها را محترم شمرده است و این امر برخاسته از مبانی پیش‌فرض‌های انسان‌شناسی و هستی‌شناسی ویژه‌ای است. توجه به اهمیت موضوع رأی زنان و اعطای این حق به آنها در جوامع امروزی و بررسی و تحقیق درباره دیدگاه اسلام در مورد نقش مردم و اهمیت و اعتبار رأی زنان آنها در جامعه و حکومت اسلامی پرداخته شود و برای مدعیان به‌صورت حقیقی ثابت شد تلاش جهان غرب برای حمایت از حقوق رأی زنان و جنبش حق رأی خواهی در قرن بیستم هنگامی به بار نشست که پیش از آن اسلام در چهارده قرن قبل آن را به رسمیت شناخته بود. در اسلام، چه از لحاظ متون دینی و چه از لحاظ سیره پیشوایان دین مخالفتی با این موضوع وجود نداشته است. چنان‌که در صدر اسلام، زنان بارها در تصمیم‌گیری‌های عمومی شرکت کرده بودند و اینک نمونه‌هایی از آن در معرض قضاوت قرار دارد. اگرچه بعدها به دلیل غلبه فرهنگ جاهلی حضور زنان با چالش‌هایی مواجه شد، اما این موضوع در اصل لزوم حضور زنان آسیبی وارد نمی‌کند. با توجه به موارد گفته‌شده سؤالی که در این تحقیق سعی در پاسخ‌گویی به آن هستیم این است که: دیدگاه اندیشمندان اسلامی و منابع اسلامی در خصوص حق رأی به زنان چگونه است؟ فرضیه‌ای که مطرح می‌شود نیز این است که هم در منابع اسلامی و هم از دیدگاه اندیشمندان اسلامی زنان دارای حق مشارکت سیاسی و حق رأی می‌باشند و در این زمینه نقش مهمی را ایفا می‌کنند در مورد اهمیت این موضوع می‌توان گفت؛ با توجه به اهمیت تبیین دیدگاه اسلام نسبت به مسأله نقش مردم و ارزش و اعتباری که اسلام از چهارده قرن پیش برای حضور و رأی و نظریات آنان بالأخص زنان در مسائل سیاسی و اجتماعی قائل شده است، می‌توان اولاً: به ادعای پوچ کشورهای غربی که

مدعی در ابتکاری بودن مسأله اکثریت توسط خودشان و حقوق بشر و به دنبال احیای آن هستند، را باطل نمود. ثانیاً اتهاماتی را که آنان مبتنی بر ضایع کردن حقوق آزادی و رایزنان و انسان‌ها به جوامع اسلامی نسبت می‌دهند و اسلام را متهم به آن می‌کنند، را دفع نمود. در آخر با بیان دلایل اعتبار اکثریت و کاربرد و جایگاه آن در اسلام به نقاط ضعف و اشکالات موجود در حکومت‌های غیر اسلامی طرفدار اکثریت؛ در زمینه وضع و اجرای قوانین مربوط به اکثریت و اعطای حق رأی به زنان و ادای آن، پرداخته خواهد شد.

پیشینه پژوهش

عمادی (۱۳۹۷) پژوهشی با عنوان حق حاکمیت و تعیین سرنوشت از منظر فقه سیاسی شیعه انجام داد. این نوشتار با مفروض دانستن این مطلب که سنت فقهی، ظرفیت و امکانات گسترده‌ای برای بسط چنین گفت‌وگوهایی دارد، درصدد پاسخ به این پرسش است که در فقه سیاسی معاصر چه رویکردهایی نسبت به حق حاکمیت سیاسی مردم وجود دارد و فقهای شیعه در مواجهه با این مسأله چه دیدگاه‌هایی را مطرح کرده‌اند؟ پاسخ اجمالی به این مسأله آن است که در فقه شیعه درباره این مسأله دو رویکرد متفاوت وجود دارد: رویکردهای سنتی حق حاکمیت سیاسی در دوره غیبت را منحصر به فقهای جامع‌الشرایط می‌داند و هرچند حضور مردم و نقش فعال آنان را در سیاست می‌پذیرند، آن را به‌عنوان پشتوانه نظام ولایی و در قالب «تکلیف شرعی» توجیه می‌کنند؛ اما رویکرد نواندیش، برخلاف این دیدگاه، حاکمیت سیاسی در زمان غیبت امام معصوم را بالاصاله «حق شرعی» مردم می‌داند و با محدود کردن حق حاکمیت مردم به رعایت آموزه‌های شریعت، بر نوعی مردم‌سالاری دینی تأکید می‌نماید. علویان (۱۳۹۶) پژوهشی با عنوان «حق رأی زنان در نظام سیاسی اسلام بررسی پیشینه و مبانی» انجام داده است. این پژوهش به شیوه‌ی توصیفی-تحلیلی دیدگاه اسلام را درباره دین روشن نمود و تاریخچه تحقق این مسأله را بازگو نمود. بررسی‌های اولیه در آموزه‌های اسلامی و سیره پیشوایان معصوم^(ع) حاکی از آن است که اسلام، زنان را همچون سفیهان، محجوران و ضعفای فکری و عقلی قلمداد نکرده، بلکه رأی و نظر آنها را محترم شمرده است و این امر برخاسته از مبانی پیش‌فرض‌های انسان‌شناسی و هستی‌شناسی ویژه‌ای است. توانا و همکاران (۱۳۹۶) پژوهشی با عنوان «مقایسه حقوق زن مسلمان از دیدگاه مرتضی مطهری و فاطمه مرنیسی» انجام داده‌اند حق آزادی عقیده و مذهب، حق مالکیت (از حقوق مدنی)، حق آموزش و امنیت اجتماعی (از حقوق اجتماعی) و حق رأی (از حقوق سیاسی) را برای زنان همسان با مردان به رسمیت می‌شناسد اما به دلیل زیست‌شناختی و روان‌شناختی، در زمینه قوانین ارث، پوشش و طلاق (از حقوق مدنی)، حق اشتغال (از حقوق اجتماعی) و حق انتخاب شدن سیاسی (از حقوق سیاسی) حقوق متفاوت برای زنان قائل می‌شود. در مقابل مرنیسی

برابری ذاتی میان زن و مرد متصور است و معتقد است اسلام ذاتی (در تقابل با اسلام تاریخی) هم این برابری را به رسمیت می‌شناسد. در نتیجه حقوق مدنی، اجتماعی و سیاسی مشابه با مردان برای زن مسلمان قائل است. مبنای تفاوت دیدگاه مطهری و مرنیسی را می‌توان نتیجه نگرش‌های متفاوت آنان به اسلام دانست. فرزندوحی و همکاران (۱۳۹۳) پژوهشی با عنوان «نقد و بررسی برخی از حقوق سیاسی و اجتماعی زن در اسلام» انجام داده‌اند. یکی از اصول مسلم در آیین اسلام، حرکت و کرامت انسان است. جان، مال، آبرو، عقیده و رأی آدمی همه حرمت دارند و باید همواره این حریم پاس داشته شود. در حرمت و کرامت انسان، هیچ تفاوتی بین زن و مرد نیست و در فرهنگ اسلامی، زن و مرد به‌عنوان مخلوقات خدا و مورد عنایت ویژه اویند. افتخار نظام حقوقی اسلام آن است که از همان ابتدا زنان را دارای حق اقتصادی، سیاسی، خانوادگی، قضایی، عبادی شناخته است و با در نظر گرفتن مهریه، نفقه و .. حقوق مادی و معنوی، زن را در نظام خانواده تأمین ساخته است؛ زیرا از دیدگاه اسلام، تفاوتی در حقیقت و ماهیت زن و مرد نیست. در آیات قرآنی نیز هرگاه از کمالات و ارزش‌های والای انسانی سخن به میان می‌آید، زنان را نیز همدوش مردان مطرح می‌کند. روش کار در این مقاله به این صورت بوده است که ابتدا به بررسی شرایط و حقوق زن در سه بخش اجتماعی، سیاسی، و مالی در عصر جاهلیت پرداخته است و بعد تحولی که اسلام در این شرایط و حقوق به وجود آورده است را مورد بررسی قرار داده است.

مفهوم رأی

واژه «حق»، «Right» از واژه‌هایی است که موارد استعمال فراوانی دارد و این استعمال فراوان، ناشی از تعدد معنایی است که برای آن وجود دارد. در فرهنگ لغت، معانی متعددی برای آن بیان شده است: راست کردن سخن، درست کردن، وعده، یقین نمودن، ثابت شدن. (دهخدا، ۱۳۷۷: ۹۱۴۲) در فرهنگ «المنجد» نیز برای واژه حق چندین معنا بیان شده است که برخی از آنها عبارتند از: ضد باطل، عدل، مال و ملک، حظ و نصیب، موجود ثابت، امر مقضی، حزم. (معلوف ۱۹۹۵: ۱۴۴) و در اصطلاح، به معنای اختیاری است که طبیعت، عرف یا قانون به کسی داده است. (دهخدا، ۱۳۷۷: ۹۱۴۲) اگرچه درباره مبنا و جوهره حق، نظرات مختلف و گوناگونی مطرح شده است، لکن به صورت اجمالی می‌توان گفت: «سلطه اختیاری است که حقوق هر کشور به منظور حفظ منافع اشخاص به آنها می‌دهد». (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۲۵۰) رأی مفهوم پیچیده‌ای است که به علت ابهامات حقوقی و مبنایی معانی مختلفی از آن وجود دارد. یکی از محققان در این باره می‌نویسد: «واقعیت این است که این موضوع پیچیده و غامضی است و جز از طریق تجزیه و تحلیل علمی آن هم بر اساس مبانی کلامی، فلسفی و حقوقی روشن شناختنی نیست. برای مثال در اینکه انتخاب حق است یا وظیفه بر اساس نظریه فردگرا و جامعه‌گرا دیدگاه‌ها متفاوت است.».

اما این پیچیدگی‌ها به این معنا نیست که دستیابی به مفهوم رأی ناممکن باشد. ساده‌ترین تعریف رأی در علم حقوق چنین بیان شده است: «عملی تشریفاتی و حقوقی که شهروندان با انجام آن طبق ضوابط و شرایط قانونی به‌گزینش نماینده یا نمایندگان می‌پردازند را رأی نامند. رأی‌دهنده ضمن این عمل حقوقی- سیاسی با برگزیدن نماینده در اداره‌ی امور سیاسی جامعه‌ی خود مشارکت می‌کند». (قاضی، ۱۳۸۴: ۲۵۹) از جمله مصادیق رأی دادن مشارکت و وکالت نیز می‌باشد؛ بنابراین ضروری است که به تعریف هر یک این دو نیز بپردازیم:

- مشارکت سیاسی

به هر عمل که با انگیزه سیاسی انجام شود، مانند رأی دادن، کمک نقدی و پرداخت پول و امکانات، ارتباط، یا عضویت در یک حزب سیاسی، تلاش برای یک مقام دولتی، تحریم یک کالا، شرکت در راهپیمایی، اعتراض خشونت‌آمیز و امثال اینها مشارکت سیاسی گفته می‌شود. (Broadwell, 2006: 1) گاهی مشارکت سیاسی به‌منزله کنش شخصی یا خصوصی شهروندانی که به دنبال اثرگذاری یا حمایت از دولت و یا سیاست‌های آن هستند، تعریف می‌شود. از مفهوم مشارکت سیاسی گاهی به‌منزله وسیله و گاهی به‌منزله‌ی هدف فعالیت‌های سیاسی استفاده می‌شود. مهروترا مشارکت سیاسی را به حکومت و سیاست‌های آن محدود نمی‌کند و معتقد است مشارکت سیاسی حمایت‌های قانونی و غیرقانونی، شکل‌گیری مطالبات، بحث سیاسی و دیگر ارتباطات گفتاری و رسانه‌ای که به حکومت مربوط است، نیز شامل می‌شود. مشارکت و یا کنش سیاسی، فعالیت‌های سیاسی را که در نهادهای خصوصی انجام می‌شود، نیز در بر می‌گیرد. دمیتروفکا پرداختن مستقیم و غیرمستقیم مردم اعم از گروه‌ها و اجتماعات و افراد در آماده‌سازی، انتخاب کردن، تأیید و تصویب نمودن اهداف و استراتژی‌های سیاسی را مشارکت سیاسی می‌داند. در این تعریف، مشارکت سیاسی به‌منزله‌ی مشارکت در امور سیاسی عمومی و فعالیت‌های نظارتی برای کسب اطمینان از صلاحیت حکومت‌ها در نظر گرفته شده است و روشی برای شرکت عده‌ی زیادی از مردم در امور سیاسی است. (Dimitrov, 2003: 1) در هر صورت باید توجه داشت که: (۱) مشارکت سیاسی نوعی کنش یا فعالیت است و لذا علاقه به سیاست یا پیگیری اخبار سیاسی را نمی‌توان نوعی مشارکت سیاسی به شمار آورد، (۲) مشارکت سیاسی محدود به شرکت در انتخابات یا برخی اشکال متعارف نمی‌شود، (۳) منظور از مشارکت سیاسی رفتار شهروندان و نه فعالیت سیاستمداران یا مسئولان حکومتی است (۴) مشارکت سیاسی در اصل عملی داوطلبانه است ولو اینکه فرد به‌شدت تحت تأثیر برخی تلقین‌های ایدئولوژیکی یا باورهای مذهبی باشد. در دوران معاصر، با ظهور اندیشمندانی در عرصه‌ی فلسفه و اندیشه همچون هابز، جان لاک، روسو، منتسکیو و دیگران مشارکت سیاسی با مبانی جدید و در سطح وسیع

موضوع گفت‌وگو قرار گرفت و فن‌گزینش مهم‌ترین و مشروع‌ترین ابزار برای وصول قدرت رایج شد و مردم حاکمان و متصدیان خود را گزینش و انتخاب کردند. (قاضی، ۱۳۸۴: ۲۹۱) بنابراین رأی دادن به عنوان یکی از مظاهر مشارکت سیاسی همواره یکی از دغدغه‌های عمده نخبگان سیاسی و حاکم و نیز جامعه شناسان بوده است. (غلامی و عرف، ۱۳۹۴: ۴۳)

- وکالت

وکالت، نهادی قدیمی و ریشه‌دار در فقه و حقوق است که فقها در کتاب الوکاله و حقوقدانان در عقود معین از آن سخن گفته‌اند. عقد وکالت عقدی است جایز که آن را به «استنباه فی التصرف» یعنی «نایب گرفتن در تصرف» تعریف کرده‌اند. (مروارید، ۱۴۱۰: ۴۳-۷۴۶) گروهی بر این اعتقادند که نمایندگی مجلس نوعی وکالت است و نماینده پارلمان در امور تقنینی و وظایف مربوط، وکیل مردم است. به تعبیر دیگر مردم (رأی دهندگان) موکل، نماینده مجلس وکیل و رابطه بین این دو وکالت است. بنابراین حق رأی می‌تواند مصادیق دیگری چون مشارکت و وکالت نیز داشته باشد. بنابراین وکالت به معنای تفویض انجام امری به دیگری و برای خود است. بنابراین وکالت، نایب گرفتن شخص دیگر برای انجام امری است؛ به این معنا که موکل، اقدام وکیل را در مورد انجام عمل حقوقی به منزله اقدام خود دانسته و به او اختیار می‌دهد که از جانب موکل تصرفاتی بنماید. وکیل نسبت به آثار اموری که انجام می‌دهد در حکم واسطه‌ای است و آنچه انجام می‌دهد برای موکل خود خواهد بود. (عابدی و ساعت‌چی، ۱۳۹۶: ۲۳۱)

جایگاه رأی و نظر در اندیشه سیاسی اسلام

امروزه، رأی و برگزاری انتخابات همگانی از اخص‌های اصلی دموکراسی است. در نگاه کلی، دموکراسی به معنای مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری‌های کشور است که هم‌اکنون یکی از شیوه‌های مطلوب حاکمیت در جوامع غربی است (قاضی، ۱۳۸۴: ۱۱۵) و اهمیت آن به حدی است که میزان تحقق آن در یک جامعه، شاخص توسعه‌یافتگی سیاسی آن جامعه محسوب می‌شود. حامیان نظریه‌ی حاکمیت بر مبنای دموکراسی آن را شکل نهایی حکومت در جوامع بشری دانسته‌اند و منتقدان نیز به‌رغم شناسایی نقایص دموکراسی آن را کم‌آسیب‌ترین نوع حکومت یاد کرده‌اند. (اخوان کاظمی، ۱۳۸۲: ۱۳۹) اکنون این پرسش مطرح است که آیا انتخاب و آراء مردم در شکل‌گیری نظام سیاسی اسلام جایگاهی دارد؟ در حقیقت، پرسش اصلی آن است که آیا اسلام با حاکمیت بر مبنای دموکراسی موافق است؟ مطابق دیدگاه اسلامی، حاکمیت مطلق تنها متعلق به خداوند است و منطق حاکمیت مطلق بشر بر سرنوشت خود جایگاهی ندارد و هیچ-

^{۱-} برای مطالعه بیشتر در این زمینه رک: پایان تاریخ و آخرین انسان، فرانسیس فوکویاما، ۱۳۷۱: صص ۳۷۹.

کس نیز نمی‌تواند خود را به‌اجبار حاکم دیگران قرار دهد. (النحل، ۳۶) بر پایه اندیشه توحیدی، فرد و جامعه همیشه به تشخیص مصالح و مضار خود قادر نیستند و حجت تام و تمامی مانند وحی لازم است تا هدایتگر اندیشه‌های بشر باشد و او را در مسیر کمال قرار دهد. (مصباح یزدی، ۱۳۸۳: ۲۴۲) که لازمه و نتیجه‌ی آن پذیرش حاکمیت قوانین و آموزه‌های الهی در نظام سیاسی است (همان: ۱۱۲)، اما با این وجود، در تفکر شیعی، سزاوارترین فرد برای اداره جامعه اسلامی، پیامبر^(ص) است و بعد از ایشان این مهم به امام معصوم^(ع) می‌رسد. بر اساس این بینش، این حکومت در عصر غیبت به عهده فقهای جامع‌الشرایط، که دارای صفاتی چون اجتهاد، مدیریت، حسن تدبیر و آگاه به شرایط زمانه خود است، می‌باشد. مشروعیت حاکم اسلامی دو پایه دارد: مشروعیت الهی و رضایت مردمی. بر این اساس، زمانی که مردم حق انتخاب حاکم را داشته باشند، به طریق اولی حق انتخاب نوع حکومت را نیز خواهند داشت. حکومت از دیدگاه شیعه، وسیله است؛ وسیله‌ای برای تحقق احکام و فرامین الهی برای سعادت دنیا و آخرت بشر. لذا، در صورت عدم رضایت مردم ضرورتی ندارد تا با زور و تزویر از آن حراست کرد. آنچه حاکم اسلامی باید هدف خود قرار دهد و از مسئولان حکومتی بخواهد «اجرای قرآن، گسترش عدالت و تعدیل ثروت، ریشه‌کن کردن بردگی و از میان بردن فواصل طبقاتی» می‌باشد. قطعاً چنین حکومتی و آموزه‌های چنین مکتبی، برای حاکمان و سلاطین جور قابل پذیرش نبوده است. مباحث مطرح شده بیان می‌دارد که مشروعیت یک حکومت، به رضایت مردم از آن بستگی دارد و رضایت مردم نیز بدون آگاهی از آن حکومت ممکن نیست. در نتیجه اعتباری که رأی پایه اغلب نظام-های سیاسی اکثریت در مشارکت‌های سیاسی باعث می‌شود قدرت نرم کشورها ارتقا یابد و بحران مشروعیت حکومت با اراده و خواست عمومی مردم در غالب رأی اکثریت برطرف می‌شود؛ از این‌رو پایه اغلب نظام‌های سیاسی امروز بر مبنای اکثریت است و نقش اصلی در این شکل‌گیری با یک نگرش مدنی و مشارکت عمومی به مردم داده شده است. از طرف دیگر نگرش سیاسی در ادبیات سیاسی جهان ظهور کرد و آن تکلیف‌گرای اسلامی برای تشکیل حکومت بر مبنای ارزش‌ها و آموزه‌های دین اسلام بود. یکی از موضوعات مهم این نگرش نقش و جایگاه مردم در این نظام است که آیا حکومت اسلامی تک‌منبعی است (مشروعیت الهی) یا مقبولیت مردمی نیز از جمله منابع حکومت اسلامی است. نکته تأمل‌برانگیز در دیدگاه وحیانی آن است که اولاً، این حکومت خدایی و الهی به دست انسان‌های شایسته و با انتخاب مردم تحقق می‌یابد و ثانیاً، حقوق و آزادی‌های انسانی در چارچوب ارزش‌های دینی و الهی در این حکومت به رسمیت شناخته می‌شود که در نوع خود عالی‌ترین مرتبه حقوق بشر است؛ بنابراین، مردم‌سالاری و مشارکتی بودن نظام سیاسی جزء ذات و خمیرمایه‌ی اندیشه‌ی اسلامی به‌خصوص شیعی است.

بر این اساس، فقها و صاحب‌نظران مسلمان، دموکراسی و مردم‌سالاری را بر پایه‌ی قوانین الهی صحیح دانسته و به دفاع از آن برخاسته‌اند. امام خمینی^(ع) دموکراسی واقعی را تنها با حکومت عدالت‌گستر اسلامی محقق می‌داند. (موسوی‌الخمنی، ۱۳۶۴: ۳۷۹) آیت‌الله مصباح یزدی می‌نویسد: «دموکراسی و نقش مردم در تعیین مجریان و قانون‌گذاران تحقق می‌یابد که با رعایت موازین اسلامی مقررات وقت را وضع و به اجرا درمی‌آورند. به سخن دیگر، دموکراسی و نقش و مشارکت جدی مردم با رعایت حدود و قیودی که اسلام معین می‌کند و انتخاب کسانی که شرایط و ویژگی‌های تعیین‌شده را دارند، در کشور ما اعمال می‌شود». (مصباح یزدی، ۱۳۸۶: ۲۹۹) محققان اسلامی برای این نوع از حاکمیت، تعبیر «مردم‌سالاری دین» و برخی نیز تعبیر «دین‌سالاری مردمی» را به کار برده‌اند. (مهدوی‌کنی، ۱۳۸۱: ۶)

حقوق سیاسی زنان در قرآن و روایات

حقوق سیاسی آن است که فرد بتواند به عنوان عضو جامعه در زندگی عمومی و اجتماعی کشور خود از راه انتخاب زمامداران و مقامات سیاسی شرکت جوید و یا به تصدی مشاغل، سیاسی و اجتماعی نایل آید و یا در جوامع، آزادانه عقاید و افکار خود به نحو مقتضی ابراز کند. (طباطبایی موتمنی، ۱۳۷۵: ۱۲۳) در اندیشه اسلامی، رأی زنان به اندازه مردان تعیین کننده است و زنان نیز همانند مردان حق دارند تا انتخاب کننده باشند و موافقت و مخالفت خود را با نظام حاکم اعلام کنند. در نظام سیاسی اسلام برای مشارکت زنان در این عرصه، راهکارهای مختلفی مطرح است که یکی از آنها مسأله بیعت است. همچنین جهاد و هجرت از عناصر مهم فرهنگ سیاسی اسلام است که زنان مسلمان همپای مردان در این عرصه حضور داشتند. (حکیمی، ۱۳۸۳: ۴۲)

در نظام سیاسی اسلام، زنان نه تنها از فعالیت‌های اجتماعی منع نشده‌اند، بلکه بسیاری از آموزه‌های اسلامی بر نقش اجتماعی زن تأکید دارند. حضور زن در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی مقاصد گوناگون یک نیاز دوسویه است؛ از سویی زن برای تأمین پاره‌ای نیازها یا عمل به برخی وظایف شرعی یا ایفای نقش و اظهار وجود از طریق پذیرش مسئولیت‌ها به حضور در جامعه نیازمند است و از سوی دیگر، جامعه به استعداد، توانایی و خدمات زن احتیاج دارد. (هدایت‌نیا، ۱۳۹۶: ۱۷) امر به معروف و نهی از منکر (توبه، ۷۱)، بیعت (ممتحنه، ۱۲) و مهاجرت (نسا، ۹۷) از مهم‌ترین نمونه‌های شواهد قرآنی حضور زنان در اجتماع است. اسلام از بدو پیدایش، با نگاه جدی به حوزه زنان، قوانین مختلفی در حمایت از قشر تشریع کرد و حتی در این باره با برخی از قوانین و سنت‌های جاهلیت همراهی کرد. پس از ظهور اسلام به زنان اجازه کار و فعالیت و

^۱-رک: نظریه سیاسی اسلام، محمد تقی مصباح یزدی، موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی^(ع).

حتی اظهار نظر در عرصه‌های مختلف تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی داده شد. در دوران معاصر، همواره بسیاری از فقهای شیعه، بر اساس اصول و ثبوتات، با واقع‌بینی و انصاف به نقش زنان در عرصه‌های گوناگون توجه و بر آن تأکید کرده‌اند.

نمونه‌های دخالت زنان در عرصه سیاسی در صدر اسلام

در طول تاریخ اسلام فعالیت سیاسی- اجتماعی زنان را نمی‌توان نادیده گرفت حال آنکه در قرآن کریم و نیز روایات و احادیث، هیچ منعی برای فعالیت مشروع زنان وجود ندارد و پیامبر اکرم^(ص) در صدر اسلام از زنان هم خواستند تا مانند مردان در نهضت بزرگ سیاسی- اجتماعی 'هجرت' شرکت کنند.

پس از آن حضرت فاطمه زهرا^(س) را که نقش اساسی در دفاع از حریم ولایت را ایفا کرده‌اند را شاهد هستیم. امام علی^(ع) پس از جنگ جمل، از تعدادی از زنان به‌عنوان نیروی امنیتی استفاده نمودند، این زنان، عایشه را به محل زندگیش رساندند و در قیام عاشورا رسالت بیان حقایق و زنده نگاه داشتن قیام و نگاهبانی از خاندان عصمت و ولایت برعهده حضرت زینب کبری^(س) بود. از دیگر موارد مشارکت سیاسی زنان در عرصه سیاسی در اسلام می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱- امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی منکر نیز یکی دیگر از مصادیق مشارکت زنان در جامعه است. چرا که کسی که انتخاب شایسته می‌کند و به شایستگی امر می‌کند و از ناشایستگی نهی می‌کند؛ امر به معروف و نهی از منکر مربوط به حوزه فردی است نه حکومتی؛ بنابراین زن محدود نیست و می‌تواند امر به معروف نیز کند. آیات مربوط به امر به معروف و نهی از منکر نمونه بارز مشارکت همگانی زن و مرد در جامعه است. آیه ۷۱ سوره توبه می‌فرماید: «مردان و زنان باایمان ولی (یار و یاور) یکدیگرند، امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند، و نماز را بر پا می‌دارند و زکات را می‌پردازند و خدا و رسولش را اطاعت می‌نمایند و ...» با توجه به این آیه خداوند مهم‌ترین مسئولیت جامعه اسلامی را که همانا امر به معروف و نهی از منکر است، بدون تبعیض بر دوش زن و مرد گذاشته است. طبق فرموده خداوند «و المومنون و المومنات بعضهم اولیاء بعض یامرون بالمعروف وینهون عن المنکر» (التوبه، ۷۱) زنان چون مردان دارای مسئولیت بزرگ سرپرستی، ولایت و مدیریت اصلاحی می‌باشند. از این رو، به هدایت کردن و امر به معروف و بازدارندگی از زشتی‌ها و ناهنجاری‌ها می‌پردازند. با گسترگی مفهوم منکر و معروف در اسلام گستره دخالت‌های اجتماعی زن روشن می‌شود. بنابراین؛ در همه عرصه‌هایی که مردان می‌توانند دخالت کنند، زنان نیز می‌توانند دخالت کنند. مسائل سیاسی و حکومتی در رأس هرم مسائل اجتماعی قرار دارد و زنان

نیز چون مردان باید در آن دخالت کنند و نقش داشته باشند. از این رو می‌بینیم که در صدر اسلام، زنان در مسائل سیاسی دخالت کردند و در صحنه حاکمیت حضوری روشن داشتند. (حکیمی، ۱۳۸۳: ۴۲)

۲- بیعت

بیعت در اصطلاح، پیمان بستن به فرمانبرداری و پذیرفتن امارت یا ریاست کسی مانند فرمانروا یا رئیس دولت است. در دین اسلام، از این رسم برای وجود اطلاعات در میثاق و پیمان با رهبر و امام جامعه استفاده شده است. همان‌طور که گفته شد در صدر اسلام بیعت شیوه‌ای برای گزینش حاکم و امیر بود، ولی امروزه شیوه‌ی مطلوب برای گزینش رهبر و نمایندگان، برگزاری انتخابات است که در جوامع غربی و اسلامی رواج دارد. در مقابل دیدگاهی که انتخابات را همانند بیعت تلقی کرده است و دلیل استفاده از آن را نه صرف تقلید از قوانین غربی بلکه شمار زیاد رأی‌دهندگان دانسته است. (موسویان، ۱۳۸۰: ۶۰) قرآن کریم بیعت با حکومت را که از بارزترین مظهر میثاق سیاسی جامعه است، برای زنان می‌پذیرد. آیه ۱۲ سوره ممتحنه اشاره به بیعت زنان با پیامبر (ص) پس از فتح مکه دارد: «یا ایها النبی اذا جاءک المومنات یبا ینک علی لا یشرکن الله...»: ای پیامبر هرگاه زنان مؤمن پیش تو آمدند با آنان بیعت کن به شرطی که به خداوند شرک نوزند.» قرآن کریم بیعت با حکومت را که بارزترین فعل و حق سیاسی است برای زنان پذیرفته و عرصه‌های مختلف تاریخ صدر اسلام نشان‌دهنده این عمل سیاسی از طرف زنان است. تاریخ صدر اسلام نیز نشان‌دهنده تحقق این عمل سیاسی از سوی زنان است و ابن سعد در کتاب طبقات، صفحاتی را به چگونگی بیعت زنان با پیامبر (ص) و مضمون بیعت‌ها اختصاص داده است و نام ۷۰ زن را برمی‌شمرد که در بیعت‌ها شرکت داشتند. (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۳-۱۱) به لحاظ تاریخی، اولین حضور بیعت زنان در عصر رسالت پیامبر (ص) با عنوان عقبه اولی یا بیعه النساء ذکر گردیده است. در این بیعت، زنی به نام عقره دختر عبید بن تعلبه، حضور داشت. حتی برخی از مورخان بر این باورند که از آنجاکه حضور زن در امری چنین مهم، آن هم در زمانه‌ای که زن از اولین حقوق فردی و اجتماعی خود محروم بود، بسیار شگفت‌آور می‌نمود. این بیعت بیعه النساء نامیده شد. (فرزند وحی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۳۶) از دیگر آیات قرآن که مربوط به حقوق سیاسی زن است. داستان ملکه سبا و حکومتش است؛ که در آن آیه از زن به عنوان رأس قدرت در جامعه اسلامی به خوبی یاد می‌کند. از سوی دیگر آیات قرآنی وی را فردی اهل رأی و نظر و شور و مشورت و حق طلب معرفی می‌کند، چراکه وقتی نامه سلیمان به او رسید با

^۱- گزینش رهبر اگرچه به صورت مستقیم با انتخابات انجام نمی‌شود، ولی از سوی خبرگانی صورت می‌گیرد که پیشتر از سوی مردم انتخاب شده‌اند.

درایت به حل مشکل پرداخت و به سلیمان گروید. « قالت رب انی ظلمت نفسی و اسلمت مع سلیمان الله رب العالمین » گفت: پروردگارا، من به خود ستم کردم و اینک با سلیمان در برابر خدا پروردگار جهانیان تسلیم شدم. (نمل، ۴۴) بسیاری از صاحب‌نظران به این داستان تمسک کرده و تصدی زن در بالاترین مناصب سیاسی را روا دانسته‌اند. (مصطفوی، ۱۳۸۶: ۱۰۴) می‌توان گفت اسلام نخستین دینی است که برای زنان حقوق سیاسی را در تمام دوران پذیرفته است و زنان مجاز می‌باشند در اجتماع مشارکت سیاسی داشته باشند. بدین ترتیب دیده می‌شود که در تعالیم عالی و انسانی اسلام هیچ تبعیضی میان زنان و مردان وجود ندارد و زنان اجازه یافتند تا در بیعت، جهاد، هجرت سهم بگیرند. در واقع بیعت مهم‌ترین عمل سیاسی آن دوران به شمار می‌آمد؛ چرا که بیعت اساس جامعه اسلامی و وسیله‌ای برای اعلام التزام جامعه به شریعت است. بیعت دیروز همین حکم رأی امروزی را در جامعه دارد. (جلالی و موسوی، ۱۳۹۲: ۵) از جمله آیاتی که دلایل قرآن کریم در اعطای حق رأی به زنان می‌باشد به این صورت می‌باشد که:

«وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ» (نساء، ۳۲): آرزو نکنید آنچه را که خداوند شماها را بهم برتری داده (مرد آرزوی مزایای خلقی و یا تشریعی زن را نکند و زن آرزوی مزایای امتیازات خلقی و تشریعی مرد را نکند) بهره مرد آنست آنچه را به دست خود کسب کنند و بهره زنانست آنچه را به دست خود کسب کنند؛ یعنی رقابت باید در امور اکتسابی باشد. اکتساب به‌دست آوردن هر فایده مادی و معنویست و انتخاب وکیل و فعالیت سیاسی یکی از فواید مهمه انسان است و در اینجا به طور عموم مرد و زن را در اکتساب فواید مساوی دانسته است. در تفسیر مجمع البیان طبرسی^(۵) در شأن نزول آیه می‌گوید: نماینده زنان حضور رسول خدا^(ص) آمد و عرض کرد: آیا پروردگار مردان و زنان یکی نیست و تو بر ما همه از زن و مرد فرستاده او نیستی؟ ما را چه رسیده که خداوند در قرآن نام مردان را می‌برد و نام ما را نمی‌برد. ما می‌ترسیم که خیری نداشته باشیم و نیازی به ما نباشد و این آیه نازل شد. خود این حدیث دلالت دارد که زنان نماینده انتخاب کردند و آن نماینده هم یک زنی بود و حضور پیغمبر فرستادند و مطالبه حقوق مساوی کردند و جواب مساعد برای آنان نازل شد.

و آن کسانی که از گناهان بزرگ و هرزگی‌ها برکنارند و هنگام خشم گرفتن گذر کنند. (شوری، ۳۷) و آنها که پروردگار خود پذیرایند و کار خود را به شوری گذارند در میان خود و آنچه بدانها روزی کنیم انفاق کنند. (شورای، ۳۸) در این دو آیه کلیات اخلاقی و امور اجتماعی و عبادی

مسلمانان را در شش ماده خلاصه کرده است و تشریع فرموده:

۱- کناره‌گیری از گناهان بزرگ و هرزگی خلاف عفت.

۲- گذشت در خورد از بی‌ادبی‌ها و موجبات خشم و غضب.

۳- پذیرش از پروردگار و طاعت حضرت دادار.

۴- محافظت بر نماز و ادای فریضه اسلامی.

۵- شور با یکدیگر در همه امور زندگانی.

۶- انفاق و اعانت از دستاورد و دارایی.

ای پیغمبر هرگاه زنان با ایمان نزد تو آمدند تا با تو بیعت کنند که چیزی را شریک خدا نگیرند و دزدی نکنند و زنا نکنند و فرزندان خود را نکشند و بهتانی نیاورند که اندر میان دست و پای خود افترائی بزنند و تو را در هیچ کار خوبی نافرمانی نکنند، با آنها بیعت کن. (ممتحنه، ۱۲) توجه به این نکته لازم است که متعلق حکم، زنان مؤمنه است و در ایمان همه چیز هست. پس این بیعت گرفتن از مؤمنه چه منظوری دارد؟ جز این نیست که منظور تعهد همکاری با پیغمبر است در اجرای احکام و این یک مقام سیاسی و اجتماعی مهمی است که بالاترین پایه رشد و تکامل ملی است و از شرکت در انتخابات پارلمانی بسیار بالاتر است و باید گفت «چون که صد آمد نود هم پیش ماست. اگر گویند با تشریع صریح بیعت با زنان در این آیه مبارکه چرا در دوران خلافت ابی‌بکر و بعد از آن صرف نظر شد، در جواب گوییم: با انقلاب سقیفه وضع ارتجاع به دوران جاهلیت در محیط اسلام پدید آمد که عقب راندن زنان از اجتماعی یک گوشه آن است و سر قیام حضرت فاطمه در حمایت از امیر المؤمنین^(ع) هم بیان همین موضوع است؛ بنابراین تاریخچه حقوق سیاسی زنان و دخالت آنها در امور سیاسی در اسلام به بیش از چهارده قرن یعنی هم زمان با ظهور اسلام بر می‌گردد. مشارکت سیاسی زنان در عرصه‌هایی چون، امر به معروف و نهی از منکر، بیعت، جهاد، هجرت و... تبلور پیدا می‌کند. (جلالی و موسوی، ۱۳۹۲: ۶۰)

۳- همکاری در بنای پایگاه فعالیت سیاسی

زنان صحابی رسول اکرم در امر ساختن مسجد پیامبر - پایگاه فعالیت دینی و سیاسی رسول الله نیز شرکت کردند، این مطلب را برخی از منابع اشاره دارند. سید جعفر مرتضی عاملی از کتاب کشف الاستار عن زوائد البزار نقل می‌کند که زنان در حمل سنگ‌های بنای مسجد شب‌ها مشارکت داشتند و مردها در روز به این مهم می‌پرداختند. اهمیت مشارکت سیاسی، اجتماعی و عبادی زنان در آن است که پس از دوران جاهلیت عرب که زن را تحقیر می‌کرد و در امور مهم دخالت نمی‌داد به وقوع می‌پیوندد. گزارش‌ها نشان می‌دهد که در اسلام زن‌ها با حفظ حجاب اسلامی و جداسازی محیط از مردان این‌گونه فعالیت سیاسی، اجتماعی و دینی داشتند. (عاملی، ۱۳۸۵، ج ۴: ۲۲۳)

حرکت‌های سیاسی زنان در واقعه کربلا

الف- حرکت‌های سیاسی حضرت زینب (س)

آن‌گاه که امام حسین^(ع) برای مقابله با یزید و ابن زیاد، مناسک حج را ناتمام رها فرمود و رهسپار سرزمین عراق گردید؛ زینب^(س) نیز اعمال حج را به پایان نرسانده به‌همراه امام و رهبر خویش عازم عراق شد با آنکه می‌دانست که سرنوشتی سخت و دردآور در انتظارشان است. آن‌ها علیا مخدره همواره در طول سفر و روزهای سخت اقامت در کربلا همگام و همراه برادر بزرگوارش بود. او که از زمان طفولیت شاهد رنج و ظلم وارده بر مادرش زهرا اطهر و غضب حق ولایت پدرش علی بن ابی طالب^(ع) و خدعه‌ها و ظلم‌های دستگاه حاکم بر برادرش حسن^(ع) و مصیبت عظمای کربلا و بی‌حرمتی‌ها و تعرض‌ها به ساحت خاندان رسالت بود، پس از واقعه کربلا و اسیر شدن در دربار ابن زیاد و یزید که دارای بیشترین قدرت و زور دوران بودند و کسی در برابر آنها جرأت سخن گفتن نداشت، علی‌رغم مصیبت‌های شدید وارد شده بر آن حضرت که هر فرد سالم را به فراموشی و بهت وامی‌دارد، بسیار هشیارانه، عالمانه، با فصاحت و شجاعت بود که همگان را به تعجب انداخت. او در کلامش علاوه بر یادآوری حق برادر، پدر و جدش، چنان سخن گفت تا دل‌های خفته را تکانی دهد و از خواب غفلت بیدار کند تا در آینده جنبش‌های مفید سیاسی برپا شود. او در حال اسارت به دست ظالمان، چنان آنان را مفتضح کرد که ابن زیاد و یزید قصد کشتن آن حضرت را کردند. زینب^(س) همچون پدرش امیرالمؤمنین چنان با فصاحت و بلاغت سخنرانی فرمود که پس از گفتارش دربار به لرزه در آمد. (محلّاتی، ج ۳، ۱۳۸۵: ۱۴۲)

ب- حرکت‌های سیاسی سکینه دختر امام حسین^(ع)

از حرکت‌های سیاسی بانوان کربلا، اقدام سکینه دختر امام حسین^(ع) بود. در سال‌های پس از واقعه کربلا که وی در مدینه زندگی می‌کرد. خالد بن عبدالملک حاکم مدینه در روز جمعه بالای منبر به سب امیرالمؤمنین مشغول می‌شد، هنگامی که خبر به سکینه می‌رسید، خود را به آنجا می‌رساند، در مقابل خالد می‌ایستاد و با همراهان خود راه او را سد می‌کرد. خالد که جرأت توهین به آن بانو را نداشت به مردم فرمان می‌داد تا همراهان آن بانو را آزار دهند. (محلّاتی، ج ۳، ۱۳۸۵: ۲۶۱). فاطمه دختر امام حسین^(ع) از جمله زنانی است که همراه پدر بزرگوارش در حرکت علیه ظلم و دستگاه غاصبه خلافت، شرکت داشت و پس از واقعه کربلا در کوفه خطاب به مردم آن که حمایت از حق را رها کرده و طرفدار حکومت ظالم و غاصب بودند. از آن‌چه گذشت، چنین حاصل شد که زنان مسلمان از آغاز گرویدن به دین اسلام و رها کردن شرک و بت‌پرستی، علی‌رغم دیدگاه‌های آن روز نسبت به زن و محدودیت‌های فراوان و

زنده به‌گور کردن دختران، در مسایل سیاسی مشارکت داشته و در بسیاری از آن فعالیت‌ها حضور-
شان مثبت و یا منفی بوده است، اما در گسترش اسلام نقش مثبت داشته است.

نظرات موافقان و مخالفان حق رأی زنان

حساسیت مراجع تقلید وقت در خصوص احتمال آنکه در لایحه آتی انتخابات به زنان حقوق سیاسی اعطا گردد، به حدی است که همین زمزمه‌ها بی آنکه در متن لایحه انعکاس یابد، مراجع را به واکنش وامی‌دارد. آیت‌الله بروجردی تهدید به مهاجرت از قم به عتبات و صدور فتوا نمود و در نهایت با ارسال پیامی اعلام کرد که «در کشور اسلامی، امری که مخالف احکام ضروریه اسلام است، ممکن‌الاجرا نیست. مخالفت‌های آیت‌الله بروجردی و دیگر مراجع تقلید قم نظیر آیات صدرالدین صدر و حجت کوه‌کمره‌ای سبب شد که دولت اعلام نماید در لایحه انتخابات به زنان حق مداخله داده نخواهد شد. چندی بعد و در آغاز دهه‌ی چهل شمسی، طرح لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی که طی آن به زنان حق انتخاب شدن و انتخاب کردن داده شده بود با مخالفت همه‌جانبه‌ی مراجع تقلید وقت مواجه شد. گرچه در این دوره شاهد بروز برخی تفاوت‌های ظریف در نوع رویکرد به مسأله مشارکت زنان هستیم. لایحه مذکور از سه جهت مورد اعتراض قرار گرفت: نخست، بخشیدن جایگاه انتخاب‌شونده و انتخاب‌کننده به زنان؛ دوم، استفاده از کتاب آسمانی به جای قرآن کریم در خصوص ادای سوگند منتخبان و سوم حذف شرط مذهب اسلام از انتخاب‌شوندگان. با این حال نوع رویکرد و شدت اعتراض مراجع تقلید نسبت به این سه مورد یکسان نیست. (رضوی، ۱۳۸۹: ۲۳۱) امام خمینی نیز در باب حق شرکت زنان در امور کشور، حق رأی دادن و انتخاب شدن، حضور در مناصب سیاسی، اجتماعی و مراکز تصمیم‌گیری، شرکت در سازمان‌ها و انجمن‌ها بیانات زیر را می‌فرمایند: «در نظام اسلامی، زن همان حقوقی را دارد که مرد دارد، حق تحصیل، حق کار، حق مالکیت، حق رأی دادن، حق رأی گرفتن. در تمام جهاتی که مرد حق دارد، زن هم حق دارد» «زن‌ها هم باید در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی همدوش مردها باشند. البته با حفظ آن چیزی که اسلام فرموده است.» «زن باید در مقدرات اساسی مملکت دخالت کند. شما همان‌گونه که در نهضت‌ها نقش اساسی داشته‌اید و سهیم بوده‌اید، هم‌اکنون هم باز باید در پیروزی سهیم باشید و فراموش نکنید که هر موقع اقتضا کند، نهضت کنید و قیام کنید» بدین ترتیب نه تنها رویکرد امام خمینی زنان را به هیچ‌عنوان با سیاست بی ارتباط نمی‌داند، بلکه در نظر ایشان رفتارهای سیاسی زنان در قیاس با مردان از اعتبار بیشتری نیز برخوردار است. زیرا زنان با فعالیت‌ها و مشارکت سیاسی و اجتماعی خود موجب تقویت این‌گونه فعالیت‌های مردان می‌شوند: «شما (بانوان) هستید که علاوه بر آنکه خودتان فعالیت می‌کنید فعالیت را در مردها مضاعف می‌کنید» «پیشقدم شدن شما در همه

مسائل... اسباب این می‌شود که مردها هم بیشتر وارد بشوند، مردها هم قوی‌تر بشوند» بنابراین وجود فرصت و امکانات لازم برای زنان در عرصه‌های گوناگون سیاسی و اجتماعی و رفع هرگونه تبعیض ضروری است. (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ۱۸۹) مرحوم آیت الله اکبر هاشمی رفسنجانی در بخشی از خاطرات خود که در روزنامه‌ی جام جم نوزده بهمن ۱۳۸۱ به چاپ رسید، می‌نویسد: «از امام خواسته شده بود مانند سال ۱۳۴۱، حق انتخاب شدن و انتخاب کردن زنان را برای مجلس تحریم نمایند. ولی امام به من دستور دادند که این آقایان را در مجلس بخواهم و به آنها بگویم سلب حق رأی از زنان، خلاف شرع است و در زمان شاه، ما کل کارهای مجلس را حرام می‌دانستیم، از جمله این را، نه اینکه اشکالی در انتخاب شدن و انتخاب کردن زن می‌دیدیم و امروز که همه امور مجلس شرعی است، شرکت آنان هم مثل مردان، شرعی، عقلی و انسانی است»

لزوم مشارکت انسان در تعیین سرنوشت خود

همان‌گونه که بیان شد از نظر امام، زن، انسانی است هم طراز مرد و همچون او بایستی در تعیین مقدرات خود مشارکت فعال داشته باشد. البته در این زمینه چه در عرصه نظریه‌پردازی و چه در عرصه مشارکت اجتماعی و سیاسی لازم است حدود شرع را رعایت کند. علامه طباطبایی تأکید می‌کند که زن از برکت اسلام مستقل به نفس و متکی بر خویش گشت، اراده و عمل او که تا ظهور اسلام گره خورده به اراده مرد بود، از اراده و عمل مرد جدا گردید و از تحت ولایت و قیمومت مرد درآمد و به مقامی رسید که دنیای قبل از اسلام با همه قدمت خود و در همه ادوارش، چنین مقامی را به زن نداده بود. چنین تأکیدی در دیدگاه‌های امام خمینی، بنیانگذار انقلاب اسلامی ایران نیز به روشنی دیده می‌شود. به نظر وی، جایگاه زن در اسلام و انقلاب اسلامی اگر برتر از مرد نباشد، کمتر نیست و زن ایران انقلابی زنی است در مسیر تحول معجزه‌آسا و بی‌نظیر. (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ج ۱۴/۱۹۶-۱۹۸ و ۳۱۶) دیگر متفکران مسلمان نیز بر این تحول و تغییر شگرف اسلامی تأکید دارند. طبق روایت صحیح بخاری و مسلم، عمر بن خطاب خلیفه دوم نیز، تفاوت و تغییر رویکرد عرب جاهلی و جامعه محمدی (ص) به زنان را گوشزد کرده است. او به صراحت می‌گوید: «ما در دوران جاهلیت زنان را به هیچ می‌انگاشتیم و اسلام و قرآن بود که حقوق زنان بر مردان را به رسمیت شناخت...» در روایت دیگر، عبدالله فرزند عمر نیز تصریح می‌کند که در عصر پیامبر از ترس آنکه درباره ما وحی نازل شود، زبان و رفتارمان را نسبت به زنان مهار می‌کردیم. مطهری معتقد است که اگر ما رأی دادن را به این تفسیر کنیم که همه افراد حق حکومت کردن دارند و با رأی دادن حق خود را به دیگری تفویض می‌کند، باید ابتدا ثابت کنیم که زن حق حکومت دارد و سپس حق رأی دادن و این خود به

خود ثابت می‌شود، اما اگر رأی دادن را به‌عنوان وکالت در نظر بگیریم، یعنی افرادی هستند که در یک کشور زندگی می‌کنند و قوانینی که در آن کشور می‌خواهد از تصویب بگذرد مربوط به شئون زندگی همه مردم اس؛ مثلاً قوانین مالی می‌خواهد از تصویب بگذرد. در این صورت لزومی ندارد که ما اول ثابت کنیم زن حق حکومت دارد تا حق رأی دادن داشته باشد. ما باید ببینیم آنهایی که می‌روند مجلس در اموال و زندگی چه کسانی تصرف می‌کنند. زن مال و ثروت دارد، تصمیماتی که در آنجا می‌گیرند، راجع به آنچه که در اختیار اوست نیز هست. (مطهری، ۱۳۹۱: ۹۱) بر این اساس می‌توان گفت مطهری حق انتخاب کردن را از زنان سلب نکرده، البته وی بر این عقیده است که حکومت و سیاست با یکدیگر متفاوت‌اند. حکومت به معنای مطاعیت یا حتی قیمومت است و اسلام هیچ گاه نخواست است که زن به یک مقام مطاعیت برسد، ولی سیاست یک مفهوم عام‌تری دارد. مثلاً زنی که رأی می‌دهد یا کارمند وزارت خارجه است و از مسائل مهم سیاسی اطلاع دارد. در واقع در سیاست دخالت می‌کند و از نظر ایشان مسائل این-چنینی مثل رأی دادن زنان از نظر اسلام اشکالی ندارد. (مطهری، ۱۳۹۱: ۵۴) حضرت آیت الله العظمی مکارم به پرسشی درباره موارد خروج زن از منزل بدون اجازه شوهر پاسخ گفته است. به گزارش شفقنا متن پرسش و پاسخ مطرح شده بدین شرح است:

پرسش: زنان در چه مواردی می‌توانند بدون اذن شوهر از منزل خارج شوند؟

الف) در مورد انجام واجبات

ب) فراگرفتن احکام اسلام مثل اینکه به مسجد بروند تا در آنجا احکام اسلامی را بشنوند
ج) در مورد تهیه اجناس ضروری و لوازم منزل در صورتی که شوهر یا شخص دیگری برای آنها انجام ندهد

د) برای رأی دادن در انتخابات و یا شرکت در راهپیمایی‌های ضروری. در دوران متأخر هر چند حق انتخاب کردن زنان توسط مراجع تقلید به رسمیت شناخته شده یا مسکوت است، اما حق انتخاب شدن آنان به‌ویژه در مناصب اجرایی نظیر وزارت، همچنان مورد مخالفت شدید مراجع سنتی می‌باشد. (رضوی، ۱۳۸۹: ۲۸۱)

نتیجه‌گیری

با توجه به شرایط امروزی دنیا و نیاز مبرم جوامع بشری به مبانی فقهی اصیل اکثریت، به نظر می‌رسد که بررسی طیف‌های گوناگون فکری و نظری درباره‌ی اعتبار رأی زنان، کمک مؤثری در تحلیل مبحث مشروعیت رأی زنان در فقه شیعه بنماید. با استناد به منابع اسلامی به خوبی می‌توان دریافت که تفاوتی در ماهیت زن و مرد وجود ندارد بلکه هر دو از یک ریشه

و جنس آفریده شدند و در سرشت و سیرت انسانی مشترکند. زن به همان اندازه می‌تواند تحصیل کمال کند که مرد می‌تواند، به قول دانشمندان مسلمان اسلام در سیر از خلق به حق هیچ تفاوتی میان زن و مرد قائل نیست، تفاوتی که اسلام قائل است در بازگشت از حق به سوی مردم و تحمل مسئولیت پیغمبری است. خداوند برای این کار مرد را مناسب‌تر دانسته است. از منظر اسلام زن از جایگاه بسیار ارزشمندی برخوردار است. در اندیشه و نظریات فقیهان شیعی دو موضوع قابل ذکر است: (۱) جایگاه زنان و حق رأی آنان در منابع و متون اسلامی: مطالعه دقیق منابع اندیشه سیاسی اسلام (آیات، روایات و سیره حضرت رسول^(ص) و امام علی^(ع)) ما را به این نکته رهنمون می‌سازد که؛ برخلاف دیدگاه قرارداد اجتماعی، که منشأ مشروعیت همه مسائل سیاسی و حتی ملاک و معیار ارزشی را در رأی زنان می‌داند. در قرآن کریم و دیگر منابع اسلامی به این دو نوع اکثریت اشاره شده است: «الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ» بندگان خدا کسانی هستند که سخنان را می‌شنوند و بهترینش را پیروی می‌کنند. این آیه معیار احسن را برای گزینش مطرح می‌کند نه کمیت افراد را. علامه طباطبایی تأکید می‌کند که زن از برکت اسلام مستقل به نفس و متکی بر خویش گشت، اراده و عمل او که تا ظهور اسلام گره خورده به اراده مرد بود، از اراده و عمل مرد جدا گردید و از تحت ولایت و قیمومت مرد درآمد، و به مقامی رسید که دنیای قبل از اسلام با همه قدمت خود و در همه ادوارش، چنین مقامی را به زن نداده بود. چنین تأکیدی در در دیدگاه‌های امام خمینی، بنیانگذار انقلاب اسلامی ایران نیز به روشنی دیده می‌شود. به نظر وی، جایگاه زن در اسلام و انقلاب اسلامی اگر برتر از مرد نباشد، کمتر نیست و زن ایران انقلابی زنی است در مسیر تحول معجزه‌آسا و بی‌نظیر. دیگر متفکران مسلمان از جمله مرتضی مطهری نیز بر این تحول و تغییر شگرف اسلامی تأکید دارند.

منابع فارسی

کتاب

- حکیمی، محمد (۱۳۸۳)، دفاع از حقوق زن، چاپ سوم، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغت‌نامه دهخدا، جلد ۶، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
- طباطبایی موتمنی، منوچهر (۱۳۷۵)، آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، جلد ۲، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
- قاضی، سید ابوالفضل (۱۳۸۴)، بایسته‌های حقوق اساسی، تهران: میزان
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۷)، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، تهران: شرکت سهامی انتشار
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۳)، حقوق و سیاست در قرآن، تهران: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی
- مصطفوی، فریده (۱۳۸۶)، زن از منظر اسلام، قم، موسسه بوستان قم، چاپ سوم
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۱)، زن و مسائل قضایی و سیاسی، تهران: انتشارات صدرا
- موسوی الخمینی، سیدروح‌الله (۱۳۶۴)، صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای امام خمینی مدظله العالی، تهیه و جمع‌آوری مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، تهران: وزارت ارشاد اسلامی
- موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸)، صحیفه امام (مجموعه بیانات، مصاحبه‌ها، اجازات شرعی و نامه‌های امام خمینی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی

مقالات

- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۲)، رویکردی به مردم‌سالاری دینی از زاویه نقد دموکراسی لیبرال، دانشگاه اسلامی، شماره ۲۰
- جمال فرزندوحی و همکاران (۱۳۹۳)، نقد و بررسی برخی از حقوق سیاسی و اجتماعی زن در اسلام، پژوهشنامه معارف قرآنی، سال پنجم، شماره ۱۶
- محمدعلی توانا و همکاران (۱۳۹۶)، مقایسه حقوق زن مسلمان از دیدگاه مرتضی مطهری و فاطمه مرنیسی، مطالعات مسلمان، دوره ۷، شماره ۲
- محمد جلالی، فاطمه موسوی (۱۳۹۲)، حقوق سیاسی زنان از منظر اسلام و اسناد بین‌المللی حقوق بشر، فصلنامه زن و فرهنگ، سال چهارم، شماره پانزدهم
- محمد عابدی، علی ساعت چی (۱۳۹۶)، تحلیل فقهی و حقوقی مفهوم و آثار ضم وکیل، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، سال نهم، شماره ۱۶
- محمدرضا غلامی، جمال عرف (۱۳۹۴)، مدل معنایی رفتار انتخاباتی در نظام مردم‌سالاری

دینی، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۶۹

- موسویان، سیدابوالفضل (۱۳۸۰)، بیعت و رأی، نامه مفید، شماره ۲۵
- مهدوی‌کنی، محمدرضا (۱۳۸۱)، مردم‌سالاری دینی بادرین‌سالاری مردمی، پیام صادق، شماره ۴
- هدایت‌نیا، فرج‌الله (۱۳۹۶)، تأملی بر نظریه خانه‌نشینی زن در فقه اسلامی، مطالعات راهبردی زنان، دوره نوزدهم، شماره ۷۶، تابستان

پایان نامه

- رضوی، کمال (۱۳۸۹)، سیر تحول پایگاه اجتماعی مرجعیت شیعه در ایران در نیم‌سده اخیر، پایان نامه در مقطع کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران: دانشکده علوم اجتماعی، استاد راهنما: دکتر سارا شریعتی

سایت

<https://fa.shafaqna.com/news/891055>

منابع عربی

کتاب

- ابن سعد، محمد بن سعد (۱۴۱۰)، الطبقات الکبری، تحقیق عبدالقادر هطا، بیروت، دارالکتب الاسلامیه
- عاملی، سیدجعفر مرتضی (۱۳۸۵)، الصحيح من سیره النبی الاعظم، تهران: انتشارات مؤسسه علمی فرهنگی دارالحديث، سازمان چاپ و نشر
- محلاتی، ذبیح‌الله (۱۳۸۵)، ریاحین الشریعه: در ترجمه دانشمندان بانوان شیعه، چاپ ۸، تهران: دارالکتب الاسلامیه
- مروارید، علی اصغر (۱۴۱۰)، سلسله الینابیع الفقهیه، بیروت، مؤسسه الشیعه، الدار الاسلامیه، اول، جلد ۱۶
- معلوف، لوئیس (۱۹۹۵)، المنجد فی اللغة، لبنان

English Resources

- Dmitrovka Bolshaia (2003), Report "Development of Forms and Methods of the Political Participation and Social Self-Organization of the Population of Russia". Institute for ROCKDALE/NEWTON CAMPUS.